

حضرت امام چنانکه خواندیم، ملاک ثواب و طاعت می‌دانستند و در نتیجه با مرحوم عراقی و خویی که ملاک را تسلیم (یا به تعبیری انقیاد) - اگر انقیاد را به معنای مطلق تسلیم گرفتیم سواء كان مطابقاً للواقع ام لا- می-گرفتند مخالف هستند.

برای فهم بهتر فرمایش حضرت امام، لازم است ابتدا اشاره کنیم که ایشان می‌گویند سه بهشت و جهنم وجود دارد: بهشت و جهنم اعمال، بهشت و جهنم اخلاق و بهشت و جهنم اعتقاد و چون بحث ما در اینجا درباره حکم فقهی مسئله است، درباره بهشت و جهنم رفتارها و اعمال، سخن می‌گوئیم. این بهشت و جهنم (ثواب و عقاب) تابع طاعت و نفس عمل است و اما «تسلیم و انقیاد» و «طغیان و تجری» مربوط به بهشت و جهنم (ثواب و عقاب) اخلاق است. (و چه بسا بهشت و جهنم‌های بالاتری هم باشد)

حضرت امام می‌نویسد:

«أَنَّ الْمَقَرَّ فِي مَقَارِهِ عَقْلًا وَ نَقْلًا أَنْ لِلْجَنَّةِ وَ النَّارِ عَوَالِمَ وَ مَنَازِلَ وَ مَرَاتِبَ وَ مَرَاكِلَ، وَ تَكُونُ تِلْكَ الْمَرَاتِبُ وَ الْمَنَازِلُ عَلَى طَبَقِ مَرَاتِبِ النَّفْسِ وَ مَنَازِلِهَا، وَ تُوْجِهُ كُلِّي يَكُونُ لِكُلِّ مِنْهُمَا ثَلَاثَ مَرَاتِبٍ: الْأُولَى: مَرْتَبَةُ جَنَّةِ الْأَعْمَالِ وَ جَحِيمِهَا، وَ هِيَ عَالَمُ صُورِ الْأَعْمَالِ الصَّالِحَةِ وَ الْفَاسِدَةِ وَ الْحَسَنَةِ وَ الْقَبِيحَةِ، وَ الْأَعْمَالُ كُلُّهَا بِصُورِهَا الْمَلَكُوتِيَّةِ تَتَجَسَّمُ فِي عَالَمِ الْمَلَكُوتِ السَّافِلِ، وَ تَرَى كُلَّ نَفْسٍ عَيْنَ مَا عَمَلَتْ، كَمَا قَالَ عَزَّ اسْمُهُ: يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مِمَّا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُحْضَرًا وَ مِمَّا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ وَ قَالَ تَعَالَى: وَ وَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا وَ قَالَ: فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَ مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ. وَ الثَّانِيَّةُ: جَنَّةُ الصِّفَاتِ وَ جَحِيمِهَا، وَ هُمَا الصُّورُ الْحَاصِلَةُ مِنَ الْمَلَكَاتِ وَ الْأَخْلَاقِ الْحَسَنَةِ وَ الذَّمِيمَةِ، وَ كَمَا أَنَّ نَفْسَيْهِمَا مِنْ مَرَاتِبِ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ تَكُونُ آثَارُهُمَا وَ صُورُهُمَا - أَيْضًا - مِنْهُمَا. وَ الثَّلَاثَةُ: جَنَّةُ الذَّاتِ وَ نَارِهَا، وَ هُمَا مَرْتَبَةُ تَبَعَاتِ الْعَقَائِدِ الْحَقَّةِ وَ الْبَاطِلَةِ إِلَى آخِرِ مَرَاتِبِ جَنَّةِ الْوَقْدِ وَ نَارِ الْفِرَاقِ.

و لكل من المراتب آثار خاصة و ثواب و عقاب بلا تداخل و تزاحم أصلاً.»^۱

ما می‌گوئیم:

ما حصل فرمایش حضرت امام آن است که در واجبات غیرى، نفس فعل ثواب ندارد (جنت و نار اعمال) و باعث تجسم اعمال نمی‌شود ولی به سبب اخلاق خوب و بد، بهشت اخلاق و یا جهنم اخلاقی برای فرد پدید

۱. انوار الهدایة فی التعلیقہ علی الکفایا، ج ۱، ص ۵۵.



می آورد.

پس نفس واجب گیری، ثواب ندارد، اگرچه فاعل آن به شرط تسلیم و انقیاد می تواند دارای ثواب اخلاقی باشد،
کما اینکه نفس ترک واجب گیری، عقاب ندارد اگرچه تارک به شرط طغیان می تواند دارای عقاب اخلاقی باشد.



کلام مرحوم اصفهانی:

مرحوم اصفهانی از زمره کسانی است که موافق با مبنای مرحوم آخوند است و می‌فرماید اتیان واجب غیری ثواب ندارد و ثواب تابع قرب است.

ایشان برای مدعای خویش می‌نویسد:

«أن الوجوب المقدمی - كما عرفت - وجوب معلولی، كما أن الغرض منه غرض تبعی، فیکون تحریکه و دعوته و مقربیته كذلك، فکما أن المولی بعد أمره بذی المقدمه لا یتمکن من عدم الأمر بالمقدمه، فیکون البعث نحوها قهراً، كذلك انقیاد العبد للأمر بذیها یوجب الانقیاد بالعرض لمعلوله و هو الأمر بها، و لا یعقل الانقیاد للأمر النفسی و الانبعاث عنه مع عدم الانقیاد لمعلوله و الانبعاث عنه، و إلا لم یکن منقاداً للأمر النفسی و منبعثاً ببعثه، و هذا الانبعاث القهري کنفس بعثه ارتکازی ربما لا یلتفت إلیه تفصیلاً. و حیث عرفت عدم استقلال الأمر المقدمی فی الباعثیه، تعرف: عدم استقلاله فی المقربیه و ما یتربّ علیها عقلاً، و كذلك عدم الانبعاث إلیها لیس إلا تبعاً لعدم الانبعاث إلی ذیها، فلا بعد إلا بتبع البعد المرتب علی ترک ذیها، فالاستقلال فی استحقاق الثواب أو العقاب عقلاً محال.»^۱

توضیح:

۱. وجوب مقدمی معلول وجوب ذی المقدمه است و غرض از آن هم تابع غرض از ذی المقدمه است پس محرک بودن این وجوب هم تبعی است.
۲. همانطور که مولا پس از امر به ذی المقدمه نمی‌تواند به مقدمه امر نکند همین طور وقتی عبد پذیرفت که ذی المقدمه را انجام دهد، پذیرفته است که مقدمه را هم انجام دهد.
۳. پس امر غیری به تنهایی نمی‌تواند مکلف را بر انگیزد و به تنهایی نمی‌تواند مکلف را به خدا نزدیک کند و نتیجه و ثمره آن که ثواب باشد را پدید آورد.
۴. پس عقلاً، محال است که امر غیری مستقلاً باعث استحقاق ثواب و عقاب شود.

ما می‌گوییم:

۱. از امام خواندیم که وجوب مقدمه معلول وجوب ذی المقدمه نیست (ترشحی نیست) بلکه معلول نفس امر است. البته ظاهراً این اختلاف نظر امام با مرحوم اصفهانی در این بحث مدخلیت ندارد، چراکه طبق نظر امام

۱. نهایه الدرایه فی شرح الکفایه، ج ۲، ص ۱۱۳.*



هم وجوب مقدمه تبعی است و استدلال مرحوم اصفهانی هم بر این نکته استوار است.

۲. اما ممکن است در اشکال به مرحوم اصفهانی بگوئیم:

ما نسبت به ذی المقدمه سه نوع حالت روحی داریم؛ گاه می‌خواهیم آن را انجام دهیم، در این صورت اتیان مقدمه ناشی از این است که می‌خواهیم ذی المقدمه را انجام دهیم، و گاه می‌خواهیم آن را ترک کنیم. در این صورت اتیان مقدمه ناشی از این است که می‌خواهیم ذی المقدمه را انجام دهیم و گاه می‌خواهیم آن را ترک کنیم، در این صورت ترک مقدمه ناشی از آن است که می‌خواهیم ذی المقدمه را ترک کنیم، ولی گاه نسبت به ذی المقدمه هیچ اراده ای نداریم (نه می‌خواهیم انجام دهیم و نه می‌خواهیم ترک کنیم)، در این صورت اگر خواستیم مقدمه را ترک کنیم، در حقیقت یک واجب را ترک کرده‌ایم یعنی اراده ترک مقدمه ناشی از اراده ترک ذی المقدمه نبوده است. پس مرحوم اصفهانی می‌توانند ثابت کنند که ثواب در واجب غیری نیست ولی ثابت نشد که عقاب در ترک آن نیست چراکه اراده ترک مقدمه ناشی از اراده ترک ذی المقدمه نبود.

اضف الی ذلک: در همان فرض دوم که اراده کرده‌ایم ذی المقدمه را ترک کنیم، ممکن است ترک ذی المقدمه را از طریق ترک برخی دیگر از مقدمات انجام دهیم و این مقدمه را بما هی مقدمه (مثلاً از باب ریاکاری) انجام دهیم. پس انبعاث ما نسبت به مقدمه تابعی از انبعاث ما نسبت به ذی المقدمه نیست. پس: اگرچه بعث نسبت به مقدمه ناشی از بعث نسبت به ذی المقدمه است (در اراده آمر) ولی انبعاث نسبت به مقدمه تابع انبعاث نسبت به ذی المقدمه نیست.

